

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۶۶ - شنبه ۹۱/۱۲/۵

بیان محقق عراقی رحمته الله علیه در دو علم اجمالی غیر متعاصر

محقق عراقی رحمته الله علیه ابتدا بنابر مبنای خود، وجهی را تحت عنوان «یمكن أن یقال» ذکر کرده است که آن را نمی‌پسندد و مورد اشکال قرار می‌دهد. بیان ایشان تحت عنوان «یمكن أن یقال»^۱ چنین است:

اگر دو علم اجمالی مفروض، غیر متعاصر بوده باشند علم اجمالی لاحق نمی‌تواند مؤثر و منجز باشد؛ زیرا یکی از دو طرف آن به علم اجمالی سابق منجز شده است و قبلاً بیان شد شرط تأثیر و اعتبار علم اجمالی آن است که باید برای تنجیز هر یک از دو طرف به نحو استقلال، صلاحیت داشته باشد و از آنجا که در مانحن فیه به واسطه‌ی علم اجمالی سابق، یکی از دو طرف منجز شده است علم اجمالی لاحق نمی‌تواند طرف مشترک را به نحو استقلال منجز کند و در نتیجه علم اجمالی از تمام المؤثریه خارج می‌شود و لازمه‌اش آن است که در اثناء زرد (طرف مختص) اصل عملی بدون معارض جاری شود؛ زیرا شک در آن، شک بدوی خواهد بود. به تعبیر دیگر از آنجا که اثناء مشترک یا همان ظرف قرمز قبلاً منجز بوده است تنجز دوباره در آن معنا ندارد؛ زیرا «المتنجز لا یتنجز ثانیاً» و علم اجمالی دوم کالعدم خواهد بود و ظرف زرد رنگ، مجرای اصل عملی می‌باشد.

اشکال محقق عراقی رحمته الله علیه بر بیان خود

۱. نه‌ایة الافکار، ج ۳، ص ۳۳۷: «یمكن ان یقال انه لا أثر للعلم اللاحق لوروده علی ما تنجز أحد طرفیه بالعلم الإجمالی السابق «فان» من شرط تأثیر العلم الإجمالی هو ان یکون کل طرف منه قابلاً للتنجز من قبله مستقلاً».

محقق عراقی رحمته الله می‌فرماید: آنچه ذکر شد به شرطی صحیح است که علم اجمالی سابق با حدوثش موجب تنجز در اطراف خود تا ابد بشود، ولی اگر نپذیریم که علم اجمالی با حدوثش الی الابد منجز اطراف است، بلکه منجزیت علم اجمالی در هر آن از عمود زمان را منوط به وجود علم در آن زمان بدانیم، لامحاله نتیجه خواهیم گرفت که در زمانی که علم اجمالی دوم حادث شد علم اجمالی اول نیز همراه آن اثر می‌گذارد؛ زیرا فرض آن است که علم اجمالی در هر زمان، به خاطر وجودش در آن زمان تأثیر می‌گذارد. پس در حقیقت به دو علم اجمالی متعاصر باز می‌گردند و در دو علم اجمالی متعاصر پذیرفتیم که هر دو، منجز اطراف خود هستند و یکی بر دیگری ترجیح ندارد.

توضیح بیشتر در قالب مثال

وقتی رأس ساعت هشت به نجاست ظرف آبی یا قرمز علم پیدا می‌کنیم، این علم اجمالی منجز است و تنجیز آن ادامه دارد و مثلاً ساعت نه نیز منجز خواهد بود، اما نه به دلیل آنکه ساعت هشت، این علم حادث شده است بلکه به خاطر اینکه این علم هنوز باقی است و رأس ساعت نه نیز همچنان علم به نجاست ظرف آبی یا قرمز باقی است. این به معنای آن است که علم اجمالی با حدوثش در ساعت هشت تا ابد منجز نیست بلکه با بقائش منجز اطراف خود می‌باشد. در نتیجه اگر ساعت نه علم اجمالی متأخری حاصل شود این علم نیز می‌تواند منجز و مؤثر باشد؛ زیرا در حقیقت به این معنا باز می‌گردد که ساعت نه، دو علم اجمالی وجود دارد؛ یک علم اجمالی به نجاست ظرف آبی یا قرمز و دیگری علم اجمالی به نجاست ظرف قرمز یا زرد و اگر دو علم اجمالی هم‌زمان و متعاصر باشند هر دو مؤثر خواهند بود. این بیان از سوی شهید صدر رحمته الله نیز پذیرفته شده است.

نقد و بررسی فرمایش محقق عراقی رحمته الله

اینکه فرمودند «علم اجمالی باید در عمود زمان استمرار داشته باشد و اگر آنی علم اجمالی سابق مضمحل شود و شک ساری پیدا شود دیگر تأثیر ندارد؛ زیرا حقیقتاً دیگر علمی نیست» سخنی متین است، اما تمام کلام در این است که آیا علم اجمالی سابق که مؤثر و منجز است، قید وجودش در آن لاحق دخیل در تنجیز آن است یا خیر؟ اگر گفته شود قید وجودش در آن لاحق، دخیل در تنجیز است سخنی بلا دلیل است؛ زیرا آنچه که موجب تنجیز می‌باشد انکشاف است و انکشاف مربوط به شیئی است که منکشف می‌شود؛ مثلاً منکشف شود اناء احمر نجس است که به هیچ وجه زمان در آن دخیل نیست و فرضاً اگر می‌توانستیم در عالمی قرار گیریم که زمان وجود ندارد علم اجمالی اثر خود را داشت؛ زیرا اثر علم اجمالی

در تنجیز، به خاطر کشف آن از حکم است و در کشف از حکم، زمان نهفته نیست.

بنابراین علم اجمالی علی الفرض در ساعت هشت اثر خود را در اطراف می‌گذارد و اطراف آن منجز می‌شود و چون در زمان قرار داریم آن تنجیز همچنان ادامه دارد، سپس علم اجمالی دیگر با اطرافی مواجه می‌شود که حداقل یکی از آنها منجز است، در نتیجه کشف جدیدی پدید نمی‌آید و لامحاله دوباره نمی‌تواند تنجیز پدید آید؛ زیرا «المتنجز لایتنجز ثانياً». بنابراین بیان محقق عراقی در «یمكن أن یقال» صحیح است و اشکالی که بر بیان خود وارد کردند ناتمام است.

اگر بخواهیم بیان مذکور را در قالب یک تشبیه محسوس حتی در زمانیات ذکر کنیم، می‌گوییم: اگر خیمه‌ای وجود داشته باشد که عمودی آن را سرِ پا نگه داشته است، آیا عمود دیگری در ادامه می‌تواند این خیمه را سرِ پا نگه دارد؟ (با وجود اینکه این خیمه با عمود قبلی سرِ پا نگاه داشته شده است). خیر؛ چون خیمه‌ی مذکور سرِ پا نگاه داشته شده است و عمود جدیدی در کنار آن در فرض مذکور بی‌اثر است، مگر آنکه شرایطی پدید آید که عمود اولی به تنهایی خیمه را سرِ پا نگاه ندارد و با شراکت عمود دوم، خیمه را نگاه دارند. در مانحن فیه نیز با حفظ انکشاف علم اجمالی اول، انکشاف دوم چیزی اضافه نخواهد کرد پس نمی‌تواند منجز جدیدی باشد.

البته مثال مذکور با اصل مطلب متفاوت است؛ زیرا در مثال مذکور، زمان به نوعی دخالت دارد به‌خلاف مسأله‌ی مورد بحث که زمان در آن دخالتی ندارد.

بیانی از سید خویی رحمته‌الله در انحلال علم اجمالی متأخر

ایشان معتقد است اگر علم اجمالی دوم معلوماً و معلوماً و یا فقط علماً متأخر باشد (بأی تأخیر) این علم اجمالی حکماً منحل خواهد شد و اگر مکلف علم اجمالی اول را رعایت کند کافی است؛ زیرا:

در اثناء مشترک بین دو علم اجمالی، یعنی ظرف قرمز، اصل نافی جاری نیست؛ به دلیل آنکه علم اجمالی اول مانع جریان اصل نافی است، در نتیجه در طرف دیگر (ظرف زرد رنگ) اصل نافی و مؤمن بدون هیچ معارضی جاری خواهد بود؛ مثلاً علم اجمالی اول به نجاست یکی از دو ظرف آبی و قرمز تعلق گرفته است و لذا قاعده‌ی طهارت در هر دو طرف ساقط می‌شود، یک ساعت بعد علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف قرمز و زرد حاصل می‌شود، این علم اجمالی نمی‌تواند تأثیرگذار باشد؛ به دلیل آنکه قاعده‌ی طهارت به خاطر علم اجمالی اول در ظرف قرمز جاری نیست و لذا در ظرف زرد این اصل بدون مزاحم جاری خواهد بود.

مقرر: سيد حامد طاھري